

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش
شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۲، ویژه سیره و تاریخ اسلام

کاربرد مطالعات تطبیقی در تاریخ

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۲/۱۰/۱۱

مریم حیدری*

چکیده: روش مطالعه تطبیقی یا مقایسه‌ای یکی از روش‌های تحقیقی در حوزه علوم اجتماعی است که این روش به منظور شناخت، تبیین و تحلیل پدیده‌های تاریخی است؛ مقاله حاضر به بررسی "کاربرد مطالعات تطبیقی در تاریخ" می‌پردازد. نخست براساس منابع مختلف تعاریفی از مطالعه تطبیقی ارائه شده و سپس به اهمیت روش تطبیقی و تاریخچه آن پرداخته شده؛ همچنین در این پژوهش دو دیدگاه موافقان و مخالفان تشخیص و موانعی که برای این روش در تاریخ وجود دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد و افزون بر آن به استفاده روش مقایسه نزد جامعه شناسان اشاره شده و در این راستا کاربرد مطالعات تطبیقی از دید محققان مورد بررسی قرار گرفته است. روش غالب در این تحقیق روش توصیفی و کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ - تحقیق - مطالعات تطبیقی - مطالعات مقایسه‌ای

* کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

مقدمه

هدف تحقیق تاریخی، به کار بردن داده‌های مربوط به واقعیت‌های مرتبط با رویدادهای گذشته و تفسیر آنها است. از این طریق می‌توان به عوامل مؤثر در بروز وقایعی که در گذشته رخ داده، پی برد و رویدادهای زمان حال را بهتر شناخت. تحقیق تاریخی کمک می‌کند تا با تحلیل داده‌ای مربوط به عادات، رسوم، سنت‌ها و چگونگی انجام اموری که به نحوی در گذشته بوده‌اند، درک بهتری بدست آوریم، در پژوهش‌های تاریخی تکنیک‌های خاصی برای انجام تحقیق و پژوهش وجود دارد که یکی از آنها مطالعات تطبیقی است.

روش مطالعه تطبیقی یا مقایسه‌ای یکی از روش‌های تحقیقی در حوزه علوم اجتماعی است که هدف آن شناخت، تبیین و تحلیل پدیده‌های تاریخی است؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد که اندیشمندان شرقی همچون ابوریحان بیرونی، غزالی و ابن خلدون بدین روش تمسک جسته‌اند و با ارائه نظریات خود به تجزیه، تحلیل، مقایسه و مقابله حادثه تاریخی پرداخته‌اند.

به طور کلی مطالعه سازمان یافته رویدادهای همانند در موقعیت‌های جغرافیایی یا زمانی متفاوت را تاریخ تطبیقی گویند. تاریخ‌دانان تطبیقی مواردی را برای مطالعه برمی‌گزینند و با مقایسه آنها با یکدیگر، تشابهات و تفاوت‌های آنها را بررسی می‌کنند. (وبکی پدیا)

تعریف مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای

مطالعه تطبیقی یعنی از طریق مقایسه وقایع تاریخی پی به یکسانی امور و وقایع تاریخی ببریم. یکی از هدف‌های بزرگ تاریخ‌شناسان دریافت و شناخت این نظم تاریخی و یا تکرار تاریخی است و این جنبه‌ای است که تاریخ را به جامعه‌شناسی نزدیک و با آن همسایه می‌سازد. (نبوی، ۱۳۵۵، ص ۵۳)

بدین قرار مقایسه زمانی صورت می‌پذیرد که دو پدیده دارای جهاتی از تشابه و اختلاف باشند. بین دو پدیده فاقد تشابه یا اختلاف، مقایسه نیز بی‌معناست. روش‌های مقایسه‌ای روش‌های مبتنی بر مقایسه دو یا چند گروه، دو یا چند جامعه و حتی دو یا چند فرد است که موضوع مقایسه‌اند. علاوه بر این مقایسه می‌تواند بین ویژگی‌های خاص گروه یا جامعه یا فرد، در زمان‌های مختلف صورت گیرد. این مفهوم در زبان فارسی، روش تطبیقی نیز خوانده شده است. لیکن چون تطبیق یکسانی پدیده‌ای را با اصل آن می‌رساند؛ مفهوم روش‌های مقایسه‌ای در مقابل معادل لاتین آن مرجح دانسته شده است. (ساروخانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۷۷)

عالی‌زاده در کتاب خود تحت عنوان "اجرای تحقیق به روش دلفی"، انواع تحقیق براساس سطح را به سه دسته تقسیم می‌کند اول: مطالعات توصیفی، دوم: مطالعات تبیینی، سوم: مطالعات مقایسه‌ای. وی در تعریف مطالعات مقایسه‌ای می‌نویسد: «این سطح از پژوهش معمولاً برای مقایسه و تطبیق دو یا چند پدیده (یا منبع یا متغیر) به عنوان دستمایه‌های پژوهش به منظور استنباط و تدقیق موضوعات به کار می‌رود.» (عالی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۷)

همچنین در این رابطه عبدالحسین زرین کوب می‌نویسد: «در تاریخ نیز مثل تمام رشته‌هایی که "موضوع" آنها با تکامل تدریجی سروکار دارد یک راه عمده نیل به "حقیقت" مطالعه تطبیقی است، یعنی مقایسه احوال پدیده‌ها از جهت نسبت و ارتباطی که با زمان و مکان دارند. حاصل عمده این گونه مطالعات هم عبارت است از طبقه‌بندی و تسلسل حوادث و مؤسسات.» (زرین کوب، ۱۳۶۲، ص ۱۳۵)

اهمیت روش‌های مقایسه‌ای

در دانش‌های اجتماعی- انسانی، امکان ایجاد اکثر دگرگونی‌های لازم در پدیده‌های مورد مشاهده، به منظور شناخت بهتر آنها همانند آنچه در دانش‌های طبیعی صورت می‌گیرد، وجود ندارد. برای مثال در علوم سیاسی دانشمندی که در باب اثرات وجود نظام پارلمانی بر کل جامعه به مطالعه می‌پردازد، نمی‌تواند دستوری صادر کند که براساس آن جامعه برای مدتی فاقد نظام پارلمانی باشد تا وی اثرات فقدان آن را مشاهده کند. از این رو ناچار است جامعه‌ای دیگر را که در آن نظام پارلمانی نیست با نظام جامعه خود مقایسه کند تا تفاوت‌ها و مشابهات آنها را یادداشت نماید.

به طور کلی دانش‌های انسانی، روش‌های مقایسه‌ای را جایگزین شیوه‌های آزمایشگاهی دانش‌های طبیعی می‌کند و در دو جهت از آن بهره می‌گیرد. (ساروخانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۷۷)

دستاوردهای تاریخی

برای اینکه مقاطع گوناگون جامعه‌ای خاص در طول زمان با یکدیگر مقایسه شود و تغییر متغیرهای اساسی به عنوان متغیر مستقل و نیز بروز عوارض ناشی از آنها مورد توجه قرار گیرد. به تاریخ و داده‌های آن مراجعه می‌شود. برای مثال، به هنگام بحث در باب علل پیدایش سرمایه‌داری جدید، ماکس وبر در اثر کلاسیک خود، اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری به تاریخ جوامع صنعتی مراجعه کرد و ظهور بورژوازی و به تبع آن سرمایه‌داری جدید را منبعث از بروز پروتستانتیسم و ویژگی‌های خاص اخلاقی آن دانست. او جامعه فئودال را از آن جهت موجد آریستوکراسی دانست که به اندیشه‌های غیر از کالونیسیم آشناست. به همین جهت نیز تاریخ را از دیدگاهی آزمایشگاه دانش‌های انسانی خواند.

دستاوردهای مردم‌شناسی

هرچند در جامعه با استعانت از تاریخ می‌توان بروز عوامل اساسی در بستر تاریخ به عنوان متغیرهای مستقل مطرح ساخت و عوارض آنها را در سطح جامعه‌شناسی کلان مطمح نظر قرار داد، لیکن راه دیگری نیز در برابر دانش‌پژوهان در علوم انسانی به منظور شناخت عوارض و آثار متغیرها وجود دارد و آن کمک از دستاوردهای مردم‌شناسی است. (همان، ص ۱۷۸)

با توجه به اهمیتی که در این دانش انسانی به شناخت جوامع دیگر از سویی و توجه به ساخت‌گرایی از سوی دیگر داده می‌شود، می‌توان با استعانت از آن فقدان متغیر اساسی مورد نظر و آثار آن را در جوامع دیگر مشاهده کرد و به قیاسی نسبی دست زد.

اهمیت کاربرد روش‌های مقایسه‌ای در دانش‌های انسانی هم از آن روست که این دانش‌ها در همه موارد نمی‌توانند به آزمایش یا دستکاری عمدی متغیرها پردازد و هم بدان سبب است که ماهیت پدیده‌های مورد مطالعه در این علوم تابع نسبیت است.

برای مثال زمانی که گفته می‌شود فرد "الف" خوب است، این استنتاج نه بدان جهت است که این فرد هیچ گونه عیب و نقصی ندارد، بلکه جهات مثبت شخصیت او در مقایسه با افراد "ب" و "ج" و... رجحان دارد، بدین‌سان ورود دانش‌های انسانی به عصر نسبیت‌گرایی یعنی پذیرش واقعیت و به تبع آن پیدایی جامعه‌شناسی تفاضلی یا تفاوتی، روان‌شناسی تفاضلی و... موجبات توجه بیشتر به این روش‌ها را فراهم ساخته است. بدین قرار، روش‌های مقایسه‌ای در زمره مهم‌ترین روش‌ها در دانش‌های انسانی به شمار می‌رود، غنای شناخت در پدیده‌های اجتماعی - انسانی را موجب می‌شود و به طور قطع می‌توان گفت هیچ یک از شاخه‌های دانش انسانی بی‌نیاز از این روش‌ها نیست. (همان، ص ۱۷۹)

سابقه تاریخی

هر چند دانشمندان مغرب زمین در کاربرد روش‌های مقایسه‌ای و تمهید زیر بنای نظری و نیز ابعاد آماری و ریاضی این روش‌ها بسیار کوشیدند، لیکن نباید آثار برجسته اندیشمندان شرق مخصوصاً اسلامی را در این زمینه به فراموشی سپرد. دانشمندانی همچون ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ هـ.ق)، غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ هـ.ق) و ابن خلدون (۷۳۱ - ۸۰۸ هـ.ق).

بدون تصریح نام، بدین روش تمسک جستند و با آن جلوه‌های حقیقت را در ورای تنوع جوامع، مناسک و ادیان یافتند.

برای مثال ابوریحان بیرونی در زمینه‌های گوناگون به کاربرد روش‌های مقایسه‌ای دست زد. وی از یک دیدگاه، دست به شناخت مقایسه‌ای ادیان زد و از تمامی امکانات موجود زمان خویش در این راه سود جست. همان طور که تمامی اسناد تاریخی نشان می‌دهد؛ او مسلمانی متمایل به مذهب تشیع بود ولی از همه امکانات زمان خویش به منظور شناخت دیگر ادیان و مقایسه آنها با اسلام سود برگرفت. قدر مسلم اینکه در قرن‌های چهارم و پنجم هجری، هنوز در گوشه و کنار ایران دین زرتشت رواج داشته و اهورامزدا با برپایی آتشکده‌های بسیاری مورد ستایش قرار گرفته است و او به انحای مختلف در صدد شناخت ریشه مناسک این قوم و آشنایی با فلسفه پرستش اهورامزدا برآمد، آنگاه به مقایسه شعائر دینی آنان با مسلمانان پرداخت و زمانی که به همراهی سلطان محمود غزنوی به هندوستان سفر کرد (سفری که موجبات بسط زمینه‌های دانش او و گسترش امکانات مقایسه را برایش فراهم ساخت و در نهایت، تصنیف اثر تحقیق ماللهند را موجب گردید.) و به مقایسه ادیان گوناگون هندوها با دانسته‌های دینی خویش پرداخت.

در مجموع از لحاظ فنون خاص روش‌های مقایسه‌ای، ابوریحان عمیق‌ترین این شیوه‌ها را با استفاده از مشاهده مستقیم و مخصوصاً مشاهده مشارکتی به کار گرفت. به بیان دیگر، او سعی کرد که شناخت مقایسه‌ای ادیان و به طور کلی جوامع مورد مطالعه او، نه با واسطه و از طریق اسناد به دست آمده از کار دیگران (و اغلب غیر متقن، پراکنده و حتی نامتجانس) بلکه با نگاهی دقیق و چهره به چهره با واقعیت صورت گیرد. از همین روست که باید وی از بنیان

روش‌های مقایسه‌ای، مبتنی بر درون‌فهمی دانست که بعدها مورد تأکید ماکس وبر قرار گرفت. (همان، ص ۱۷۹)

از سوی دیگر در غرب گرچه روش‌های مقایسه‌ای در یونان باستان با آثار ارسطو و مقایسه نظام‌های سیاسی آن زمان معمول گشت، لیک توجه به این روش از قرن هیجدهم در زبان‌شناسی صورت یافت و سرانجام در قرن نوزدهم متفکران اجتماعی، همچون دورکیم، ویکو، موننتسکیو و... بدین روش تمسک جستند و با آن پدیده‌های اجتماعی را در سطح کلان مورد مقایسه قرار دادند. (همان، ص ۱۸۱)

موافقان روش‌های مقایسه‌ای

دستیابی به روش‌های مقایسه‌ای و پذیرش و کاربرد آنها توسط بانیان دانش‌های انسانی منازعات شدیدی بین مخالفان و موافقان پدید آورد. ژوزف، جامعه‌شناس معاصر آمریکایی در اثرش تحت عنوان مقدمه‌ای بر منطق در ستایش از این روش نوشته است: «آنچه روش مقایسه‌ای یا تاریخی خوانده می‌شود، در بین نسل اخیر در بسیاری از رشته‌های تحقیق انقلابی پدید آورده است این روش کاربرد اصلی کلی دگرگون‌سازی شرایط به منظور کشف بهتر علل پدیده‌ای معین است.» فریمن نیز ادعا کرد که تنظیم و تدوین روش‌های مقایسه‌ای بزرگترین دستاورد فکری عصر ما بوده است فریمن مخصوصاً به کاربرد این روش‌ها در زبان‌شناسی و نیز شناخت بهتر نهادهای اجتماعی توجه کرده است. (همان، ص ۱۸۳)

چنان که جرمی بلک نیز به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: پیگیری بحث تطبیق در تاریخ، بحث روش‌شناسی و مسائل مربوط به منابع را به دنبال دارد. به عنوان مثال مورخان سنتی استدلال می‌کنند که هر تطبیقی مثلاً موضوع بحث سیاست‌ها در آلمان، فرانسه و بریتانیا لازم‌اش تحقیق در آرشیوهای ملی هر سه کشور است. این مسئله نیازمند به یک دانش مؤثر از هر سه زبان و منابع وسیع مالی و زمانی است. همان طوری که چهارچوب‌های مطالعه تطبیقی رشد می‌کنند به همان نسبت به بسیاری از صلاحیت‌های زبان‌شناسی نیز نیازمند است به این دلیل بسیاری از کارهای بزرگ تطبیقی مبتنی بر آثار دست دوم هستند. همچنین اشاره می‌کند؛ تطبیق می‌تواند بر دورنمای تاریخ اجتماعی بیفزاید، تطبیق می‌تواند پیشداوری‌های ملی یا تمایلات متعصبانه را آرام کند و تاریخ تطبیقی از نظر عقلانی قابل فهم و مکانیسمی دفاعی در مقابل نگرش‌های درون‌نگاهی است. (جرمی بلک، دونالدم. مکرایلند، ۱۳۹۰، صص ۱۳۲-۱۳۳)

پس چه چیزی نکته قوت تاریخ تطبیقی است؟ دورنمای کار مورخان می‌تواند با ترکیب گسترده‌تر مسائل که فراتر از زمان و مکان قرار دارند، تقویت گردد. در مورد جوامع ما می‌توانیم شروع به فهم مواردی از پویایی محل کار، تجربیات محل سکونت و امکانات زندگی از طریق مقایسه یک جامعه با یک یا جوامع بیشتری را آغاز کنیم، زیرا این ماهیت چند ترکیبی، چند لایه‌ای بودن گذشته تاریخی را برای ما روشن می‌کند. در همان حال جامعه نباید به صورت جدا در نظر گرفته شود. زیرا هیچ یک در عمل در یک خلاء وجود ندارد و تحلیل ما نمی‌تواند در خلاء پیش رود. (همان، ص ۱۳۶)

مخالفان این روش:

بیشتر مورخان به طور طبیعی درباره موضوعاتشان به طور ضمنی به شیوه تطبیقی می‌اندیشند حتی اگر تنها به دنبال استخراج تفاوت‌های ملی یا مذهبی یا به دنبال قضاوت در مواردی مثل موفقیت، شکست، تجاوز و خوشبختی باشند، این ایده‌ها تنها در زمینه تطبیقی معنی واقعی خود را می‌یابند. رویکردهای تطبیقی به تاریخ و روش‌هایی که برای انجام آن صورت می‌گیرد، در زمان‌های گوناگون مورد حمله واقع شده‌اند. انتقادهای خاصی هستند که خیلی بیراه نیستند. بسیاری از نظریه‌پردازان اجتماعی اولیه نظیر مارکس، دورکیم و وبر، تطبیق را برای اندازه‌گیری تکامل جامعه به کار گرفتند. آنها جامعه را یک هویت زیستی معرفی می‌کردند که در حال تکامل است. (همان، ص ۱۳۶)

روش‌های مقایسه‌ای مخالفانی جدی دارد که با استناد به دلایلی محکم به انتقاد از این روش پرداخته‌اند. گیسنبرگ در اثرش به نام مطالعاتی در جامعه‌شناسی پس از بحشی مبسوط در نقد این روش نوشت. «این روش نه قرابت ژنتیک را مشخص می‌دارد نه توالی زمانی را» گذشته از این روش‌های مقایسه‌ای با دیدگاه‌های ساخت‌گرایان، مطالعات کارکرد گرایان و طرفداران مکتب تفهیمی سازش‌پذیر نیست. زیرا در این سه مکتب توجه به واحدهای کارکردی و معنای آنها در چارچوب مجموعه‌ها یا زمینه‌هاست و حال آنکه به هنگام مقایسه باید جزئی را از کل منتزع ساخت و با دیگر اجزا که خود از بطن زمینه‌های اجتماعی خویش جدا شده‌اند، مقایسه کرد. (ساروخانی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۴)

علی‌رغم دیدگاه‌های بالنسبه تند مخالفان و موافقان باید گفت که روش‌های مقایسه‌ای نیز همانند تمامی روش‌های دیگر دارای جهات مثبت و منفی است؛ از دیدگاهی می‌توان گفت که مقایسه در کار پژوهش اجتماعی اجتناب ناپذیر است و استفاده از داده‌های موجود به نحوی جایگزین شیوه‌های آزمایشگاهی با کنترل متغیرها در دانش‌های طبیعی می‌شود؛ اما این بدان معنی نیست که کاربرد روش‌های مقایسه‌ای بی‌هیچ محدودیت صورت‌پذیر است. (همان، ص ۱۸۵)

مشکلات مقایسه‌های تاریخی

- ۱- دانش تاریخی در زمره دانش‌های تفریدی به حساب می‌آید.
- ۲- داده‌های تاریخی با مشاهده مستقیم مورخ به دست نمی‌آید بلکه منبعث از نگاه‌ته‌های دیگران است. از این رو داده‌های دست دوم متعلق به نویسندگانی است که همواره درک درست علمی، صلاحیت و بی‌طرفی آنان در برابر واقعیت قطعی نیست.
- ۳- از آن جهت که داده‌های تاریخی مربوط به گذشته است نه تنها نمی‌شود به طور عینی آن را بررسی کرد بلکه محقق (که خود به زمان دیگر وابسته است) خواه و ناخواه با دیدگاه‌های خویش (که از جامعه خاص او منشأ گرفته است) با گذشته روبرو می‌شود. پس از این جهت نیز داده‌های تاریخی انحرافی دیگر می‌یابد.

۴- در مورد تمامی ابعاد حوادث تاریخی نمی‌توان اسنادی متقن یافت و گاه اسناد موجود در تناقض‌اند؛ از این رو به اصطلاح گورویچ محقق تاریخی به ناچار دست به بازسازی عناصر و پیوند آنها و در مواردی پر کردن خلاء با اندیشه‌های خویش می‌زند.

بدین ترتیب، مقایسه‌های تاریخی (چه مقایسه وضعیت‌های جامعه در مقاطع گوناگون زمانی و چه در مقایسه گذشته جامعه با جوامع دیگر) محدودیت‌های بسیاری می‌یابد که مستلزم آگاهی محقق از آنهاست، بدون آنکه فراموش شود که شناخت تاریخی از اهمیت ویژه‌ای در راه انباشت داده‌ها در دانش‌های انسانی برخوردار است. (همان، صص ۱۸۵-۱۸۶)

استفاده جامعه‌شناسان از روش تطبیقی

بسیاری از جامعه‌شناسان اولیه زمانی که درصد بودند الگوهای تاریخی عمده دگرگونی اجتماعی را پیدا کنند، از مقایسه به عنوان روش تحلیل و تبیین بسیار استفاده می‌کردند. برای مثال اگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸) جوامع گوناگون را با این نیت مقایسه می‌کرد تا نشان دهد که همه جوامع بشری در مسیر مشابهی تکامل می‌یابند. کنت "قانون سه مرحله‌ای" تحول اجتماعی را مطرح کرد که بنا بر آن همه جوامع بشری در گذشته، حال و آینده ضرورتاً از این سه مرحله تحول عبور می‌کنند. این نتیجه‌گیری او مبتنی بود بر بررسی هر چند انتخاب شده ولی گسترده تاریخ انواع جوامع بشری. مارکس نیز در تأیید نظریه‌اش دال بر حرکت گریزناپذیر تاریخ از کمونیسم ابتدایی به فئودالیسم و سرمایه‌داری و در آخرین مرحله کمونیسم پس از انقلاب سوسیالیستی، از شواهد مقایسه‌ای استفاده کرد. (پاتریک مک نیل، ۱۳۷۶، ص ۷۲)

ابعاد مختلف تطبیق برای بررسی‌های تاریخی همچنین یک کنترل اساسی را در مدل‌های توضیحی فراهم می‌کند که برای نمونه منجر به این نتیجه می‌شود که توضیح در مورد نمونه x ، ممکن نیست شامل y نشود. همین مقایسه و تطبیق جایگاه خاصی را در نظریه اجتماعی اشغال می‌کند و در شکل‌گیری توسعه جامعه‌شناسی نقشی حیاتی داشته است. ماکس وبر نظریه پرداز اجتماعی آلمانی از اصل تطبیق به عنوان محوری برای فهم گذشته حمایت می‌کرد. (جرمی بلک، ۱۳۹۰، ص ۱۳۳)

تحلیل تاریخی - تطبیقی

از آنجا که تحقیق تاریخ - تطبیقی یک روش کیفی است به سادگی نمی‌توان روش معینی را برای تحلیل داده‌های تاریخی دنبال کرد. محققى که به تحقیق تاریخی - تطبیقی می‌پردازد، باید در میان انبوهی از جزئیاتی که موضوع مورد مطالعه را توصیف می‌کند، الگویابی کند و طرح بیرون بکشد.

اگر چه تحقیق تاریخی - تطبیقی غالباً یک روش کیفی به شمار می‌رود و نه کمی، به هیچ وجه ضرورتاً چنین نیست. تحلیل گران تاریخ گاهی اوقات از داده‌هایی که دارای ترتیب زمانی هستند استفاده می‌کنند تا تغییر شرایط را در طول زمان زیر نظر قرار دهند؛ داده‌هایی از قبیل داده‌های جمعیتی، داده‌های مربوط به میزان جرایم، بیکاری، میزان مرگ و میر نوزادان و... اما گاهی تحلیل این داده‌ها به دانش و باریک بینی خاصی نیاز دارد. (ارل بیسی، ۱۳۸۱، ص ۶۸۷)

همان طور که گفتیم منظور از تحلیل تلریخی - تطبیقی نوعی از تحلیل کیفی است که موضوع آن وقایع خاص تاریخی است. این وقایع به صورت کیفی سنجش پذیرند. محدودسازی تحلیل به این نوع وقایع به معنای آن نیست که داده‌های آماری موجود را در باب روندهای کلان اجتماعی نمی‌توان تحلیل تطبیقی کرد، بلکه تأکید ما بر وقایع خاص تاریخی به این دلیل است که بتوانیم از طریق آموزش منطق تحلیل تطبیقی - کیفی، پژوهشگران علم اجتماعی را در تحلیل پدیده‌های کیفی کمک کنیم. (ساعی، ۱۳۸۷، صص ۲۰۴-۲۰۶)

کاربرد روش تطبیقی

در اینجا سؤال کلیدی این است که در چه شرایطی کاربرد روش تحلیل تاریخی - تطبیقی (کیفی) ضرورت می‌یابد. پاسخ این سؤال را با کمک معیارهای حادثه خاص تاریخی، واحد تحلیل و علیت جستجو می‌کنیم.

اگر حادثه خاص تاریخی را تنها معیار رجوع به تحلیل تاریخی - تطبیقی بدانیم این معیار تنها وجه تاریخی تحلیل را پوشش می‌دهد؛ چون تحلیل تطبیقی در پژوهش‌های دیگری مثل پیمایشی نیز صادق است. اگر معیار را نوع واحد تحلیل بگیریم فرض ما این است که استفاده از واحدهای تحلیل بزرگ‌تر به جای واحدهای کوچک‌تر (مثل فرد، خانواده و غیره) به احتمال زیاد به کنترل متغیرهای مزاحم و عوامل فردی منجر می‌شود و واحدهای بزرگ‌تر شرایط نسبتاً مشابهی پیدا می‌کنند.

این معیار در مورد تحقیقات ناظر بر آمارهای موجود و پیمایش اجتماعی نیز کاربرد دارد؛ برای مثال میزان خودکشی در سطح کشور شبیه‌تر است؛ ولی در سطح شهرها و استان‌ها این شباهت کمتر است. اما تحقیق تاریخی - تطبیقی اقتضا می‌کند که متغیرها صفت سیستم محسوب شوند. بنابراین تغییر واحد تحلیل از سطح خرد (متغیرهای صفت فرد) به سطح کلان (متغیر سیستمیک) پاسخ سؤال ما را نمی‌دهد. براساس معیارهای واحد مشاهده و سطح تحلیل (به دلیل هم‌پوشانی آنها با سایر روش‌های تحلیل) نیز نمی‌توان پاسخ قانع‌کننده‌ای برای سؤال مطرح شده اقامه کرد.

شاید بهتر باشد پاسخ اصلی این سؤال را در مفهوم علیت جستجو کنیم؛ البته علیت را به معنای تولیدکنندگی در نظر نمی‌گیریم، بلکه معنای آن هم تغییری و نظم هیومی است. در چهارچوب علیت به معنای تولیدکنندگی، وقتی می‌گوییم C علت E است منظور آن است که تغییر در C تغییر در E را به دنبال دارد و C مولد E است؛ یعنی وجود E به وجود C وابسته است. در اینجا میان C و E رابطه نامتقارن وجود دارد. (همان، صص ۲۰۴-۲۰۵)

علیت در مفهوم هم تغییری معنای تولیدکنندگی را بر نمی‌تابد. در اینجا ادعا نمی‌شود که تغییر در C مولد تغییر در E است، بلکه مراد هم تغییر منظم است. در اینجا فرض بر این است که اگر با کنترل اثر سایر متغیرهای علی، تغییرات یک عامل (C) با تغییرات E هماهنگ باشد آن عامل علت E محسوب می‌شود. بنابر این استنباط علی مستلزم مشاهده تغییرات منظم (مکرر) در شرایط مقدّم بر وقوع یک حادثه (توالی زمانی به جای تولیدکنندگی) است. به عبارت دیگر میان دو متغیر C و E فقط زمانی نسبت علی برقرار است که حوادثی از نوع C با

حوادثی از نوع E به صورت منظم همراه باشد. این نوع رابطه در تحقیق تاریخی - موردی به دست نمی‌آید.

بنابر این مقایسه واحدهای تحلیل بزرگ‌تر به منظور دستیابی به علیت، انجام دادن تحقیق تاریخی - تطبیقی را توجیه پذیر می‌سازد. در اینجا علیت در پرتو تئوری جستجو می‌شود.

در تحقیق تاریخی - موردی، جستجوی توالی حوادث را درون یک فرایند تاریخی که به تولید حادثه خاص منجر می‌شوند می‌توان نوع خاص علیت (مکانیزم علی) نامید؛ اما علیت به معنای هم تغییری منظم نیازمند نظم استقرایی و آزمون توالی زمانی حوادث در چند واحد اجتماعی بزرگ‌تر است. این آزمون از طریق حضور و غیاب آنها انجام می‌شود. در این معنا نظم استقرایی به عنوان روشی برای بررسی تجربی فرضیات علمی تابع مکانیزم علی است. در واقع حکم به علیت (C علت E) مبتنی بر اثبات هم تغییری منظم میان سلسله حواتی از نوع C با حادثه‌ای از نوع E است.

در خصوص استدلال علی (علیت) ذکر این نکته مهم است که وقتی گفته می‌شود C علت E است معنایش این است که حادثه C شرط لازم و یا شرط کافی برای وقوع حادثه E است. این نوع رابطه از قانون استنتاج می‌شود. C در صورتی شرط لازم برای وقوع E است که C برای وقوع E را تضمین می‌کند و C بدون E واقع نمی‌شود. در اینجا باید گفت علیت را در وقایع اجتماعی قطعی فرض کردن با منطق روش علوم اجتماعی ناسازگار است و

نتیجه‌ای که از این بحث می‌توان گرفت این است که جستجوی علیت در وقایع تاریخی استفاده از تحلیل تطبیقی را ضروری می‌سازد. (همان، صص ۲۰۵-۲۰۶)

همچنین در این رابطه نوذری در کتاب خود، ذیل عنوان "نقش مقایسه و تطبیق در تاریخ" می‌نویسد: اگر تبیین اجتماعی - تاریخی مستلزم شبکه پیچیده‌ای از انواع مختلف قیاس بین سازه‌های تحلیلی و شواهد تجربی باشد در آن صورت باید برای مقایسه موارد، نقش محوری قائل شد. مقایسه و تطبیق، حائز نقش و جایگاه محوری برای تمام علوم تاریخی کلان - از جمله کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، بوم‌شناسی، جغرافیا، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی - است؛ یعنی علومی که موضوعات اصلی مورد مطالعه آنها ساختارهایی بسیار پیچیده، متفاوت و نوظهورند که دارای ویژگی‌هایی مشترک و همچنین جنبه‌ها و ابعاد منحصر به فردی هستند. در این علوم برای درک هر ساختار باید آن را یا با مقولات و الگوهای آرمانی و سخی رده‌ای و یا مستقیماً با ساختارهای دیگر مقایسه نمود. (نوذری، ۱۳۷۹، ص ۳۳۸)

مقایسه می‌تواند جامع‌الاطراف و بین موارد متعدد یا صرفاً بین دو مورد باشد همچنین به منظور نیل به تبیین مناسب و در خور برای هر مورد باید بین موارد، مقالات و الگوها نیز مقایسه‌ای صورت بگیرد. مقایسه را می‌توان براساس تمثیل‌ها، تشبیهات و حتی استعارات و همین‌طور براساس توصیفات ساده نیز صورت داد. هیچ دو موردی را نمی‌توان یافت که کاملاً مشابه و یکسان باشند و هیچ موردی نیز به‌طور در بست در چارچوب الگویی خاص قرار نمی‌گیرد، لذا هر گونه تلاش برای ارائه تبیین قیاسی براساس قوانین یا اصول عام به راحتی می‌تواند گمراه کننده باشد. مع‌ذک برای اندیشیدن درباره ساختارها و درک، طبقه‌بندی و مقایسه آنها و انواع هویت‌ها و همین‌طور برای پرداختن به امر تشریح و تبیین ساختارها،

کارکردها و تاریخ، وجود مفاهیم، مقولات، مفروضات، تمثیل‌ها و الگوهای عام در کلیه علوم فوق ضروری است. (همان، ص ۳۳۸)

شیوه تحلیل داده‌های تاریخی - تطبیقی

تحلیل شواهد تجربی از طریق روش تحلیل تطبیقی به دو صورت انجام می‌گیرد:

الف) توصیفی و ب) تبیینی

هر یک از این دو نوع تحلیل را می‌توان در سه سطح انجام داد:

۱- درون سیستمی یا درون گروهی

۲- بین سیستمی یا بین گروهی

۳- کل سیستمها یا کل گروهها

البته در تحقیق تاریخی، تحلیل تطبیقی تنها در سطح درون سیستمی و بین سیستمی انجام می‌شود؛ اما تحلیل داده‌های پیاپی و آمارهای موجود در هر سه سطح انجام پذیر است.

تحلیل درون سیستمی:

در تحقیق تاریخی - تطبیقی مانند سایر تحلیل‌های تطبیقی یکی از مشکلات تحقیق ویژگی‌های زمینه اجتماعی آن است. تحلیل یک واقعه بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی متفاوت آن، تحقیق تطبیقی را با مشکل مواجه می‌سازد. تحلیل درون سیستمی روشی

برای حل این مشکل است. از طریق تحلیل درون سیستمی از فرایند وقوع حادثه معین درون متن اجتماعی خود درک عمیق پیدا می‌کنیم. اگر تحلیل درون سیستمی انجام نشود ویژگی‌های زمینه‌ای برای محقق ناشناخته باقی می‌ماند. در این تحلیل قاعده تحقیق تاریخی - موردی، درون هر یک از واحدهای تحلیل به کار می‌رود.

تحلیل درون سیستمی می‌تواند از نوع قیاسی - قانونی یا تکوینی باشد. در این سطح واقعه خاص تاریخی یعنی e درون یک جامعه معین از طریق سلسله حوادثی از نوع c علت کاوی می‌شود. در این سطح هم واقعه e و هم علت یا علت‌های (c) آن صفت یک سیستم خاص (کشور معین) محسوب می‌گردند. اگر e برای مثال انقلاب باشد، دنبال نظام‌هایی می‌رویم که این واقعه در آنها رخ داده است. این واقعه درون هر یک از واحدهای تحلیل به صورت جداگانه با هدایت تئوری مناسب تبیین می‌شود.

تحلیل بین سیستمی:

تغییر سطح تحلیل و انجام دادن آن به صورت بین سیستمی نیازمند مشاهده رابطه متفاوت در سطح درون سیستمی است. مشاهده پیامدهای متفاوت در سطح درون سیستمی با وجود شباهت‌های بین کشوری دلیلی قوی بر این مدعاست که شباهت‌ها نمی‌توانند علت این تفاوت‌ها باشند؛ به عبارت دیگر اگر در تحلیل درون سیستمی چند نوع معلول (انقلاب) مشاهده شود این پیامد نشان می‌دهد که علت مشترک نمی‌تواند به معلول‌های متفاوت منجر شود، بلکه پیامدی وجود بیش از یک علت را نشان می‌دهد.

برای اثبات اینکه حادثه‌ای علت حادثه دیگر است روش مناسب روش تحلیل بین سیستمی است که در آن هر دو حادثه با هم حاضر یا غایب باشند. این روش برای درک علیت مناسب است.

در واقع تکیه‌گاه اصلی روش تحلیل تاریخی - تطبیقی در سطح بین سیستمی علیت به معنای هم‌تغییری منظم است. از طریق تحلیل بین سیستمی عواملی جستجو می‌شود که پا به پای حضور و غیاب واقعه، حضور و غیاب دارند. در اینجا هدف دستیابی با استنباط علی از طریق مشاهده مکرر تغییرات در شرایط مقدم بر وقوع یک واقعه است. (ساعی، ۱۳۸۷، صص ۲۱۰-۲۱۲)

خلاصه سخن اینکه شیوه و روش مطالعات تطبیقی امروزه در گستره علوم انسانی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. به طوری که بسیاری از محققان بر این امر واقفند که این شیوه مطالعاتی نکات مهمی از گستره اندیشگی را مورد نقد و بازخوانی قرار می‌دهد و همچنین معتقدند که مقایسه داده‌های تحقیق اساس هر پژوهش است و هیچ دستاوردی بدون مقایسه معنی ندارد.

منابع و مأخذ

۱. بیبی، ارل، (۱۳۸۱)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت، اول.
۲. بلک، جرمی، دونالدم. مکرایلد، (۱۳۹۰)، مطالعه تاریخ، ترجمه محمدتقی ایمان‌پور، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، اول.
۳. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۲)، تاریخ در ترازو، تهران: امیر کبیر، اول.
۴. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، اول، ج ۲.
۵. ساعی، علی، (۱۳۸۷)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: سمت، اول.
۶. عالی زاده، عبدالرضا، (۱۳۸۵)، اجرای تحقیق به روش دلفی، تهران: یوسف، اول.
۷. مک نیل، پاتریک، (۱۳۷۶)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: آگاه، اول.
۸. نبوی، بهروز، (۱۳۵۵)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کتابخانه فروردین، چهارم.
۹. نودری، حسینعلی، (۱۳۷۹)، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ نگاری، تهران: طرح نو، اول.

